306654 ـ اندیشه در اسلام

سوال

در یکی از سایت‌های ملحدها خواندم که اسلام از اندیشه و تفکر باز می‌دارد. امیدوارم به این شبهه

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

برای مسلمان واجب است که از عقیده و ایمان خود محافظت کند و به سلامت فطرت و اندیشهٔ خود اهمیت دهد و با دین و قلبش از شبهه‌ها و فتنه‌ها بگریزد چرا که دل‌ها ضعیف است و شبهه‌ها رُباینده و با زرق و برقی که اهل بدعت و گمراهان به آن می‌دهند فریباست و رباینده اما در حقیقت واهی است و ضعیف.

نگاه در کتب بدعت و گمراهی یا کتب شرک و خرافه و دیگر ادیان که دستخوش تحریف شده‌اند یا کتب الحاد و نفاق و یا سایت‌های آنان که چنین افکار منحرفی را ترویج می‌دهد و شبهات باطل را منتشر می‌سازد جایز نیست مگر برای کسی که در علم شرعی اهلیت دارد و قصدش از خواند آن پاسخ به ادعاهای گمراهان و بیان فساد آن است و این هنگامی است که توان و اهلیت داشته باشد.

اما این‌که این سایت‌ها را بخواند و از نظر علم شرعی نیز قوی نباشد، چنین کسی غالبا در پی مطالعهٔ این مطالب دچار حیرت می‌شود و قلبش از نظر یقینی ضعیف می‌شود و در برابر شبهات متزلزل می‌گردد.

این مسئله برای بسیاری از عموم مردم و حتی طلاب علمی که هنوز اهلیت چنین عرصه‌ای را نیافته‌اند پیش آمده تا جایی که کار برخی از آنان به گمراهی کشیده است.

بسیاری اوقات خوانندهٔ این‌گونه مطالب از این جا فریب می‌خورد که گمان می‌کند قلب او قوی‌تر از شبهه‌های عرضه شده در این سایت‌هاست، جز آن‌که ـ با خواندن بسیارِ این مطالب ـ وقتی به خود می‌آید که قلبش این شبهه‌ها را جذب کرده به گونه‌ای که در آغاز فکرش را هم نمی‌کرد.

برای همین نظر علما و سلف صالح بر تحریم خواندن و نظر در چنین کتاب‌هایی بود.

سخن علما در این باره را در پاسخ شمارهٔ (92781) آوردیم.

ثانیا:

باید اسلام را از منابع آن برگرفت که بزرگترین این منابع و محور آن قرآن و سنت است.

اسلام برای عقل و اندیشه جایگاه ویژه‌ای قرار داده و این جایگاه به شکل آشکار در آیات بسیاری نمایان است و در قرآن عبارات بسیاری در این مضمون ده‌ها بار تکرار شده است از جمله: لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (باشد که تعقل ورزید) و لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (برای گروهی که می‌اندیشند) و لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (برای گروهی که می‌فهمند).

الله متعال در قرآن کریم به اندیشیدن فرا خوانده و فرموده است:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

[ص: ۲۹]

([این] کتابی است مبارک که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند).

همچنین پروردگار بزرگ به اندیشیدن در آفریده‌های خود امر کرده و می‌فرماید:

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ

[روم: ۸]

(آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند، خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و تا هنگامی معین نیافریده است و [با این حال] بسیاری از مردم دیدار پروردگارشان را سخت منکرند)

اندیشیدن عبادت است و الله تعالی در این آیه به همین موضوع اشاره کرده است:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰) الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

[آل عمران: ۱۹۰ - ۱۹۱]

(مسلما در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است (۱۹۰) آنان که الله را

ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو، پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار).

شیخ سعدی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «الله تعالی ما را آگاه فرموده که ﴿در خلقت آسمان‌ها و زمین و در پی هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی برای صاحبان خرد است و در ضمن آن بندگان را به اندیشه در آن و دیدن آن با چشم بصیرت و اندیشه در آفرینش تشویق کرده است و نشانه‌ها را به شکل مبهم ذکر کرده و نگفته که مثلا در فلان چیز نشانه‌هایی است و این اشاره‌ای است به کثرت و عموم آیات چرا که در آن چنان آیات عجیبی است که بیننده را به شگفتی می‌آورد و اندیشمند را قانع می‌کند و دل‌های راستان را جذب خود نموده عقل‌های روشن را به همهٔ مطالب الهی جلب می‌نماید، اما تفصیل همهٔ آن‌چه نشانه‌های او را شامل می‌شود برای هیچ مخلوقی شمردنش امکان ندارد و بلکه به بخش‌هایی از آن احاطه می‌یابد.

و به طور کلی همین عظمت و وسعت و نظمی که در حرکت و سیر آن است دال بر عظمت خالق و عظمت قدرت و وسعت علم اوست.

و دقت و ظرافت و صنعت بدیع و لطایف فعلی که در آن است دال بر حکمت الله است و این‌که وی همه چیز را در جای خود نهاده و علم او بس وسیع است.

و آن‌چه از منابع برای خلق خود در آن نهاده نشان‌گر وسعت رحمت الله و فضل و نیکی فراگیر او و وجوب شکر اوست.

همهٔ این‌ها دال بر تعلق قلب به خالق و بذل تلاش در راه خشنودی اوست تا کسی را که به اندازهٔ ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین برای خود و دیگری صاحب هیچ سود و زیانی نیست به او شریک نگرداند.

خداوند در این آیات به شکل ویژه اولوا الألباب یعنی صاحبان خرد را مخاطب قرار داده زیرا آنان از این نشانه‌ها سود می‌برند و با عقل خود ـ نه تنها با چشمان ـ به آن می‌نگرند.

سپس این صاحبان خرد را چنین یاد کرده که الله را یاد می‌کنند، آن هم در همهٔ حالات خود ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده و این شامل انواع ذکر است، ذکر زبانی و قلبی و نماز نیز در همین ذکر داخل است، پس اگر نتوانست ایستاده ادایش کند نشسته به جایش آورده و اگر نشسته نتوانست به پهلو خوابیده و این‌که آنان در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، یعنی با آن بر هدفِ خلقت استدلال می‌کنند.

این آیه دال بر آن است که اندیشیدن یکی از عبادات و از ویژگی‌های دوستان خداوند است، که هر گاه اندیشه کنند به این نتیجه می‌رسند که خداوند آن را بیهوده نیافریده و می‌گویند: پروردگارا، این را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی از هر چیزی که شایستهٔ جلال تو نیست منزهی، بلکه خداوند این‌ها را به حق و برای حق آفریده و این آفرینش مشتمل بر حق است.

پس ما را از عذاب آتش دوخ در امان بدار. به این شکل که ما را از بدی‌ها حفظ کنی و برای انجام اعمال نیک یاری دهی تا این‌گونه از آتش نجات یابیم» (تفسیر سعدی: ۱۶۱).

از عطاء روایت است که گفت: من و عُبید بن عُمیر بن نزد عایشه ـ رضی الله عنها ـ رفتیم پس به عُبید بن عمیر گفت: چه شد که به دیدار ما آمدید؟ گفت: چنان می‌گویم که پیشینیان گفتند: کم زیارت کن محبت بیشتر می‌شود (دوری و دوستی) ام المومنین گفت: این سخن نامفهوم را رها کن.

ابن عُمیر گفت: برای ما از عجیب‌ترین چیزی بگو که از رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ دیده‌ای. راوی می‌گوید: ام المومنین کمی سکوت کرد سپس گفت: یکی از شب‌ها فرمود: ای عایشه، بگذار امشب را برای پروردگارم عبادت کنم گفتم: به الله سوگند که نزدیکی تو را دوست دارم و آن‌چه را تو دوست داری دوست دارم. پس برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد، پس آن‌قدر گریست که لباسش خیس شد سپس آنقدر گریست که محاسنش خیس شد و سپس گریست تا زمین خیس شد آن‌گاه بلال آمد و او را برای نماز صدا زد پس وقتی دید ایشان می‌گریند گفت: ای رسول خدا، چرا می‌گریید حال آن‌که خداوند گناهان قبل و بعد شما را آمرزیده؟ فرمود: «آیا بنده‌ای شکرگزار نباشم؟ امشب آیه‌ای بر من نازل شده است که وای بر حال آن‌که بخواندش و در آن نیندیشد: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... ...» به روایت ابن حبان در صحیح (۲/ ۲۸۶) نگا: السلسلة الصحيحة (۱/ ۱۴۷).

ادیب و اندیشمند بزرگ، استاد عباس محمود العَقّاد کتابی دربارهٔ همین موضوع دارد تحت عنوان: التفكير فريضة إسلامية (اندیشیدن، یک فریضهٔ اسلامی است) که می‌توان از آن استفاده برد.